

معرفی اجمالی

ساحت تاریخ

(عبرت از گذشتهگان)

ضمیمه ی شماره ۱۹/۴ کتاب معرفی حکمت سرا

www.hekmatjoo.ir

ویرایش بهمن ماه ۱۳۹۲



فهرست:

- ۱- تعریف ساحت..... ۲
- ۲- بیان هدف و ضرورت ارائه ی ساحت..... ۳
- ۳- ارائه ی تعریف و طبقه بندی حوزه های کلی..... ۷
- ۴- طبقه بندی و تعریف عناوین اصلی..... ۸
- ۵- تعیین جایگاه کاربردی عناوین اصلی..... ۱۰
- ۶- معرفی کتب و منابع موجود..... ۱۳
- ۷- معرفی متفکران و راه های ارتباطی با ایشان..... ۱۷
- ۸- ارائه ی تاریخچه ساحت..... ۱۸
- ۹- تعیین حداقل های ساحت..... ۱۹
- ۱۰- تعیین حداقل پیشنهادها برای ساحت..... ۲۲
- ۱۱- انطباق محتوای ساحت با کتب نظام فعلی..... ۲۳
- ۱۲- آسیب شناسی ساحت..... ۲۴
- ۱۳- شیوه های اختصاصی ارائه ی محتوای ساحت..... ۲۵
- ۱۴- معرفی ارزیابان و تصدیقگران ساحت..... ۳۲

۱- تعریف ساحت تاریخ:

ریشه ی لغوی تاریخ:

در مورد ریشه ی لغوی کلمه ی تاریخ اقوال متفاوتی مطرح است. از جمله مهمترین آنها میتوان به " ارخ " و " ورخ " اشاره کرد. اما در خصوص معنای دقیق آن میتوان دو معنای زیر را مطرح کرد.

۱- اعلام وقت: شناسایی زمان کاری نسبت به یک مبدأ

۲- تاخیر: ختم شدن چیزی به چیز دیگر، یا به عبارت دیگر، آخر و نهایت و کمال هر چیز

معادل واژه ی تاریخ ، *istoria* واژه ای یونانی به معنی جست و جوی هر آنچه به دانستنش بیرزد. و یا *historia* (واژه ی رومی) در معنای: حکایت ، داستان و یا افسانه.

و یا *history* (واژه ای انگلیسی) در معنی رسیدن چیزی به مرحله ای خاص در مسیر پیشرفت.

معنای لغت تاریخ

واژه تاریخ دو معنا را به ذهن متبادر می کند: اولاً تاریخ دارای معنایی کلی است که کلیه ی حوادث گذشته را شامل میشود. دوماً تاریخ نام خاص یکی از علوم بشر نیز هست که پیرامون معنای اولیه تحقیق می کند و صرفاً به آنچه از تاریخ **مکتوب** شده است، محدود میشود. بنابر این میتوان گفت فرق بین معنای اولیه و معنای ثانویه، میزان شمول آنهاست. معنای اولیه کلی تر از معنای ثانویه است. اما معنای اول موضوع اصلی علم تاریخ است.

تعریف علم تاریخ

تاریخ ، جریان شناسی در هم تنیده و مستمر وقایع گذشته که تابع قاعده ی منطقی ترتب اند، است.

در مورد تعریف:

جریان شناسی : فهمی فراتر از شناخت صرف توصیفات از وقایع، است.

درهم تنیدگی: اصل ارتباط و تاثیر گذاری موضوعات مختلف تاریخی با هم را میرساند.

استمرار و مترتب بودن وقایع : اصل پیوند پلکانی حوادث تاریخ که آنها را به هم وابسته و نتیجه ی یکدیگر معرفی می کند. و علم تاریخ را از مطالعه ی گذشته ی محض به حال ارتباط می دهد.

۲- بیان هدف و ضرورت ارائه‌ی ساحت تاریخ:

قرآن کریم هدف از مطالعه‌ی تاریخ را تفکر و عبرت آموزی معرفی میکند. لازم است بدانیم که «عبرت» واژه‌ای عربی است به معنی تغییر از حالتی به حالت دیگر که پس از دقت و تفکر در امری حاصل میشود.

اما به صورت دقیقتر محقق تاریخ با مطالعه‌ی عمیق منابع تاریخ به ترتیب در پی اهداف زیر است:

- ۱- نزدیک شدن و یا رسیدن به عین رخدادها و جریانهای واقعی گذشته
- ۲- آشکار کردن حوادث و حقایقی که در گذر زمان پنهان مانده اند
- ۳- تعیین علل و ریشه‌های صعود و سقوط جوامع و کشف سنتهای حاکم بر زندگی بشر
- ۴- پیش بینی و مدیریت آینده با انتقال تجربیات گذشتگان به نسلهای کنونی

اما اینکه آیا مطالعه‌ی ساحت تاریخ ضرورت دارد یا نه میتوان به چند موضوع توجه کرد:

اول: جایگاه تاریخ در ادیان و شرایع آسمانی

شرایع و ادیانی آسمانی، که هدفشان هدایت بشر است، نگرش عمیقی نسبت به تاریخ گذشتگان دارند به حدی که میتوان گفت بیش از نیمی از محتوای کتب آسمانی مربوط به تاریخ و تبیین فلسفی آن است. این امر برای کسانی که با کتب مقدس آشنا باشند کاملاً واضح است.

خداوند نه تنها در بسیاری از آیات مخاطب خویش را به مطالعه‌ی تاریخ فرا میخواند بلکه خود در جای جای کتاب، برای هدایت بشر از قصص و حوادث تاریخ استفاده میکند. این امر نشان از اهمیت علم تاریخ در جریان هدایت و پیدا کردن راه نجات دارد.

دوم: ضرورت خودشناسی و زمانه‌شناسی

اولین و مهمترین معرفت بشر شناخت انسان نسبت به خود و زمانه‌اش است. همه‌ی ما بارها حدیث زیر را شنیده ایم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه فرموده اند: "من عرف نفسه فقد عرف ربه" هرکس خود را بشناسد به راستی پروردگارش را شناخته است.

علاوه بر این ایشان می فرمایند: "عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ" خردمند، باید زمان خود را بشناسد.

امام صادق علیه السلام نیز میفرماید: "العالمُ بزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ" کسی که زمان خود را بشناسد، شبهات بر او هجوم نمی آورند.

این احادیث بر اینکه هر انسانی باید خود و زمانه اش را بشناسد تأکید بالایی دارند. علم تاریخ، علمی است که مدعی است میتواند برای هر فرد این بصیرت را فراهم کند.

انسان موجودی تاریخی است و بخشی از مهمترین موضوعات شناختی پیرامون انسان از دل تاریخ بیرون می آید. هویت و اصل و نسب هر کس، مبدا و مقصد حیات انسان در دل تاریخ به وضوح روشن است. علاوه بر این، من هر انسانی، تنها شامل خود مفرد او نمیشود، بخشی از هویت هر فرد، هویت جمعی است. در بسیاری از موضوعات مربوط به هویت، انسان به "ما" میرسد. مثلاً در حوزه ی دین هر فرد مسلمان یا مسیحی یا... دارای یک هویت جمعی است. شناخت بخش مهمی از این هویت دینی مستلزم مطالعه ی تاریخ است.

هویت شناسی و هویت باوری اهمیت بسیار بالایی در زندگی هر انسانی دارد. همانطور که گفته شد، انسان موجودی تاریخی است و برای حیاتش نیاز به هویت دارد. هویت یعنی چیستی و چگونگی. هر انسانی ذاتاً در پی یافتن هویت خویش است تا آرامش بگیرد. انسان بی هویت آرامش و قرار ندارد.

علاوه بر خود شناسی، زمانه شناسی نیز مهم است. چراکه هر فرد در یک دوره ی خاص زمانی با مشخصاتی ویژه ی همان زمان، زندگی میکند. برای انسانی که زندگی اش رابطه ی تنگاتنگی با مسائل زمانه دارد، شناخت کم و کیف زمانه، لازم و حیاتی است. یکی از ویژگی های زمانه نیز تاریخی بودن و تکوین مرحله به مرحله است. بسیاری از شرایط معاصر هر دوره ای، حاصل یک دوره ی تکوینی تاریخی است. بنابراین شناخت حال و معاصر، مستلزم مطالعه ی علل و عوامل شکل گیری حال است که این موضوعات، همان محتوای علم تاریخ هستند. بنابراین مطالعه ی تاریخ ضروری است تا حالمان را خوب بشناسیم و از وقایع آن غافل گیر نشویم.

سوم: ضرورت مدیریت آینده و ترسیم فردایی متفاوت از امروز

لقمان حکیم علیه السلام به فرزندش می گوید :

يَا بُنَيَّ... وَ اجْهَدْ اَنْ يَكُونَ الْيَوْمُ خَيْرًا لَكَ مِنْ اَمْسٍ وَ غَدًا خَيْرًا لَكَ مِنْ الْيَوْمِ فَاِنَّهُ مِنْ اَسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَعْبُودٌ وَ مَنْ كَانَ يَوْمُهُ شَرًّا اَمْسِهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ.



فرزندم بکوش تا امروزت بهتر از دیروز و فردایت بهتر از امروز باشد، که هر کس دو روزش برابر باشد، زیانکار است و هر کس امروزش بدتر از دیروزش باشد، از رحمت خدا دور است
هر انسانی همواره باید فردایی متکاملتر از امروز بسازد. هر جمع و جامعه ای نیز باید امروزی بهتر از دیروز داشته باشد.

ما باید قدم های بعدی تکامل تاریخ را برداریم نه اینکه قدم های گذشتگان را تکرار کنیم. برای مدیریت فردایی بهتر از دیروز اولین اقدام شناخت دیروز است و این شناخت با مطالعه ی تاریخ حاصل میشود.

چهارم: رابطه ی تاریخ با دیگر معارف بشر

تاریخ از جمله ی علمی است که عملاً با تمامی دیگر فعالیتها و معارف انسان رابطه ی تنگاتنگی دارد.

میتوان گفت فهم کامل از ماهیت و ارزیابی هر چیزی در این عالم، مستلزم بررسی دقیق نقش و جایگاهی است که آن چیز در فرآیند تکامل داشته است. ما در مورد هر چه بخواهیم مطالعه کنیم و یا آن را ارزیابی کنیم باید در ابتدا به تاریخ تکوین آن پردازیم.

در قرآن کریم برای این که انسان را متوجه جایگاه خود بکند او را به مراحل تکوین خویش ارجاع میدهد. «فلینظر الانسان مما خلق...»

تاریخ در آن واحد مزيجی از علم، ادب و فن است. هیچ فنی از فنون و هیچ علمی از علوم نیست مگر اینکه بخشی از آن را تاریخ در بر میگیرد. به خصوص علوم اجتماعی و انسانی و حکمت عملی از جمله دانشهایی هستند که ارتباطی دو طرفه با علم تاریخ دارند هم تاریخ با این علوم ارتباط دارد و از آنها برای اهداف خویش بهره می برد و هم این علوم از تاریخ به عنوان مواد خام خود استفاده می کنند.

برای مثال در علوم تجربی برای کشف راه حل جدیدی برای درمان یک بیماری به ابتدای کشف بیماری راه های طی شده تا کنون برای درمان آن می پردازند. یا در ریاضی یک فرمول ریاضی جدا از راه حل ها و فرمول های گذشته نیست بلکه کامل کننده فرمول های قدیمی است.

شاید بایان هگل مسئله روشن تر شود. هگل در تعریف خود از فلسفه میگوید: فلسفه چیزی نیست جز تاریخ تفکر.

بنابراین تاریخ ابتدا خودش یک معرفت است و بعد منبعی برای معارف دیگر به شمار میرود



ویژگی های حکمی و معرفتی خاص این دانش باعث میشود مطالعه ی تاریخ و رویکردی تاریخی در مطالعات، برای تمام طبقات و اصناف جامعه و برای تمام محققان در سایر رشته ها ضروری باشد.

پنجم: ضرورت جلوگیری از انحرافات بزرگ بشری

در زندگی معاصر انسان، فراموشی های تاریخی و تحریفات تاریخی، گاهی انسان را از مسیر درست منحرف می کند. انسان در زندگی معاصر، مدام درگیر موضوعاتی میشود که لازم است مدام به حافظه ی تاریخی خود برگردد تا بتواند درست را از غلط تشخیص بدهد. تاریخ حقایق بسیاری در دل خود ذخیره دارد.

کشف دغدغه های مهم بشری در یک برحه ی خاص که وابستگی زیادی به تاریخ دارند و دانستن حقایق آنها بشر را از خطرات انحرافی نجات بدهد به تحلیل و یادآوری مدام تاریخ گذشته نیاز دارد. در این شرایط افراد با آگاهی از تاریخ میتوانند پاسخگوی این نیاز دوره ای باشند.

کشف و بررسی پدیده هایی که در برحه ی زمانی خاصی برای جامعه مهم میشود را **موضوع سازی** میگویند. در موضوع سازی وظیفه ی یک محقق پیگیری و آگاهی از دغدغه ها و گرایشات جامعه و ریشه یابی آنهاست به نحوی که انحرافی در مسیر انسان رخ ندهد.

۳- ارائه، تعریف و طبقه بندی حوزه های کلی و عناوین اصلی ساحت تاریخ:

<ul style="list-style-type: none"> ❖ فلسفه ی علم تاریخ ❖ فلسفه ی نظری تاریخ ❖ مشاهیر (فیلسوفان بزرگ تاریخ) 	<p>۱- فلسفه ی تاریخ</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ❖ اصول استخراج تقویم ❖ مهمترین تقویم های جهان ❖ روشهای تبدیل تقویمها به همدیگر 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ معنی و مفهوم تقویم ❖ اهمیت تقویم در زندگی انسان ❖ واحدهای زمان سنجی ❖ مبادی گاهشماری 	<p>۲- گاهشماری و تقویم</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخچه ی تاریخ نگاری ❖ روشهای تاریخنگاری ❖ مشاهیر تاریخنگاری 	<p>۳- تاریخنگاری</p>
	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ خلقت ❖ تاریخ ادیان غیر توحیدی ❖ تاریخ ادیان توحیدی ❖ تاریخ انبیا و ائمه و مشاهیر دینی 	<p>۱- تاریخ ادیان</p>
<ul style="list-style-type: none"> ❖ اساطیر یونان و روم ❖ اساطیر اروپایی و سلتی 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ مفاهیم و کلیات اسطوره شناسی ❖ اساطیر ایرانی و بین النهرین ❖ اساطیر مصر و خاورمیانه 	<p>۲- تاریخ اساطیری</p>
<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ سیاسی اروپا و استرالیا ❖ تاریخ سیاسی آمریکا ❖ تاریخ مشاهیر سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ مکاتب سیاسی ❖ تاریخ سیاسی آسیا ❖ تاریخ سیاسی آفریقا 	<p>۳- تاریخ سیاسی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ اقتصادی ❖ مشاهیر 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ قوم شناسی ❖ نسب شناسی ❖ فرهنگ و سنن اقوام 	<p>۴- تاریخ اجتماعی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ فنون و صنایع ❖ مشاهیر علم، هنر و صنعت 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تعریف و مبانی تمدن ❖ تمدنهای اولیه ❖ تمدنهای بزرگ متاخر 	<p>۵- تاریخ تمدن</p>
<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ اندیشه های سیاسی ❖ تاریخ اندیشه های هنری 	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تاریخ اندیشه های دینی ❖ تاریخ اندیشه های فلسفی ❖ تاریخ اندیشه های اجتماعی 	<p>۶- تاریخ اندیشه</p>

۴- تعریف مختصر حوزه های کلی و عناوین اصلی:

الف) تاریخ نظری

۱) فلسفه ی تاریخ

فلسفه ی تاریخ بحث کلی پیرامون دانشی به نام تاریخ و تفکر پیرامون کلیت سرگذشت بشر است و به طور کلی، به شناخت ماهیت حیات بشر می انجامد. این حوزه دارای دو شاخه است.

- فلسفه ی علم تاریخ: عبارت است از پرسشگری پیرامون به رسمیت شناختن دانشی به نام تاریخ
- فلسفه ی نظری تاریخ: عبارت است از تفکر پیرامون چرایی و الگوهای حاکم بر حوادث تاریخی

۲) گاهشماری و تقویم

گاهشماری به معنای محاسبه ی زمان است. این دانش، از علوم بسیار قدیمی و کاربردی بشر به شمار میرود. این دانش در زندگی روزانه ی بشر نیز اهمیت کاربردی زیادی دارد.

۳) تاریخ نگاری:

شناخت مورخان و روشهای حاکم بر کار آنها

- تاریخچه: مطالعه ی تاریخ نگارش تاریخ در ملل متفاوت و شناخت منابع موجود
- روشهای تاریخ نگاری: تمرین مهارت تاریخ نگاری توسط محقق تاریخ.

ب) کلیات علم تاریخ:

عبارت است از تمام آنچه بشر از حوادث و ماقع مکتوب نموده است. دایره ی علم تاریخ، منابع و موضوعات گسترده ای را شامل میشود.

اگر موضوع علم تاریخ را انسان معرفی کنیم، تمام موضوعات پیرامون انسان در این دایره قرار میگیرند. میتوان تمام موضوعات پیرامون انسان را به ۶ گروه زیر تقسیم کرد.

۱) تاریخ دین: عبارت است از مطالعه ی تمام آنچه که بشر در سیر تکوین ادیان آسمانی و سیره و حیات انبیای الهی و همچنین شکل گیری فرقه ها و مذاهب متفاوت هر دین، مشاهده و تألیف کرده است.

(۲) تاریخ اساطیری: اسطوره، صورتی از فهم بشر و تجلی نخستین چشم اندازهای توصیف جهان توسط انسانها است. اگرچه اسطوره بیان دقیق واقعیات نیست اما میتواند ریشه در حقایق تاریخی داشته باشد. حقایق دوره هایی که در تاریخ ثبت نشده است.

(۳) تاریخ سیاسی: تاریخ سیاسی عبارت است از روند و سیر شکل گیری حکومتها و تاثیرات آنها بر تکامل تاریخ.

(۴) تاریخ اجتماعی: تاریخ اجتماعی عبارت است از دگرگونی های جامعه در گذر تاریخ. مفهوم جامعه نیز؛ به افرادی اشاره دارد که در یک قلمرو جغرافیایی خاص زندگی می کنند، با هم تعامل دارند، و در هویت و فرهنگ مشترکی، سهیم هستند.

(۵) تاریخ تمدن: تاریخ تمدن عبارت است از مطالعه ی مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است.

(۶) تاریخ اندیشه: تاریخ اندیشه، بررسی سیر تحول اندیشه های بشری با لحاظ شرایط زمانی و مکانی مؤثر در تطور و شکل گیری آنها است.

نکته: نباید فراموش کرد که این ابعاد، تاثیر متقابلی بر همدیگر در چگونگی سیر تاریخ دارند. و اگر کسی بخواهد در کشف حقایق و سنتهای تاریخی قدم بزرگ و موثری بردارد، باید در مطالعات خود به همه ی این ابعاد توجه ویژه داشته باشد.

البته ممکن است محقق تاریخ، نه به هدف کشف قوانین حاکم بر کل تاریخ، بلکه با داشتن یک سوال جزئی و خاص وارد تاریخ شود که در این شرایط مطالعه ی ابعاد مورد نظر و تنها شمه ای از موضوعات مربوطه، راهگشا خواهد بود.

۵- تعیین جایگاه کاربردی ساحت تاریخ:

پرداختن به این مبحث به شدت باید توسط مربی تاریخ جدی گرفته شود و ساعات زیادی به صورت کارگاهی با مخاطب در این زمینه کار کرد. پس از آنکه مخاطب به پاسخ روشنی از جایگاه کاربردی این ساحت رسید، بر اساس تعریف خود او، راه حوزه های کلی و اصلی تاریخ را به او نشان داد. چرا که تاریخ، از معارف بسیار گسترده ی بشری است و هر محققى باید پیش از مطالعه ی آن، **بداند دقیقاً به دنبال چه چیزی** است.

تاریخ نه تنها علمی است که در حوزه ی معرفت ذهنی نقش بالایی دارد، بلکه ارتباط این علم با حوزه ی عمل انسان، ارتباط تنگاتنگی دارد. تاریخ به معنی واقعی کلمه حکمت است و منجر به عمل صالح میشود.

ابن خلدون یکی از بزرگترین فیلسوف-مورخان مسلمان در مورد تاریخ میگوید: **"تاریخ شعبه ای از حکمت است."** هر کدام از عناوین اصلی موجود در این علم جایگاه کاربردی خاص خود را دارند. اما در مطالعه ی کلی تاریخ فوایدی وجود دارد که میتوان آنها را به صورت زیر دسته بندی کرد.

فواید شناختی و معرفتی:

- افزایش بینش و معرفت انسان نسبت به ماهیت جهان
- کسب تجربه بدون پرداخت هزینه
- شناخت عمیق زمینه و علل شرایط کنونی (به کمک علم تاریخ می توانیم علل و خاستگاههای وضعیت فعلی را تبیین و ریشه یابی کنیم).
- شناخت قوانین و سنن حاکم بر حیات بشر و استفاده از آنها در برنامه ریزی و مدیریت آینده
- شناخت انسانهای بزرگ و نحوه ی تفکر و عمل آنها در شرایط مختلف تاریخی و الگوگیری از آنها

فواید روحی، روانی و عاطفی:

- تقویت روح وطن دوستی و عرق ملی و مذهبی فرد و ایجاد حس خودباوری ملی
- تقویت حس بشر دوستانه و همدردی با ملل دیگر با نزدیک کردن فهم تاریخی کشورهای مختلف به همدیگر و بهبود شرایط برای همزیستی با دیگر ملل در جهان
- مهار بلندپروازی و غرور انسان بر روی زمین و کاهش خودبزرگ بینی قومی و جلب احترام به سایر ملل
- افزایش قدرت واقع بینی و انصاف در انسان

فواید مهارتی:

- یکی از راههای افزایش مهارتهای نقد، تحلیل و بررسی، و شکل گیری یک **تفکر انتقادی** در فرد مطالعه ی تاریخ است. این دانش مانع از ساده لوحی و باعث افزایش توانایی مقابله با فریب گری ها میشود.

فواید سیاسی:

- استفاده از این دانش برای مدیریت آینده و مدیریت مجموعه های انسانی
- رشد درک پیوستگی مسائل بین المللی
- احترام افراد جامعه به قوانین ملی و ایجاد عادت مطلوب برای رعایت آنها با شناخت روند تکوین آنها
- مصونیت ملت در برابر جریانهای متهاجم و حفظ و پاسداری از میهن با شناخت هویت ملی

فواید اجتماعی:

- شکل گیری هویت فردی و جمعی در افراد جامعه
- ایجاد وحدت ملی بین آنها با شناخت آرمانهای ملی و مذهبی
- پیشگیری از بحران هویت اجتماع و گرایش افراد جامعه به فرهنگهای بیگانه

فواید علمی و هنری:

- استفاده ی علوم انسانی و سایر علوم از مواد تاریخ در پاسخ به سوالات خود
- الهام گیری دانشمندان و خصوصا هنرمندان از مواد تاریخ برای فعالیتهای خود

اما جایگاه شغلی این ساحت در اجتماع چگونه و چیست؟

همانطور که گفته شد تاریخ فواید بسیار گسترده ای در بیش و عملکرد انسان دارد. گستردگی این فواید ما را به دایره ی شغلی گسترده ای در سطح اجتماع برای این دانش، هدایت میکند، اما استفاده از این ظرفیتهای گسترده پیش از هر چیز به دو امر وابسته است.

اول: وجود زیرساختهای اجتماعی لازم برای کارآفرینی محققان در این دانش

دوم: خودباوری فرد نسبت به توانایی های خود و اعتقاد عمیق به فواید علم تاریخ



اگر هر دوی این امور در کنار هم جمع باشند، برای محققین در این حوزه شغل‌های بسیاری قابل تعریف است.

البته در شرایط فعلی، بسترهای اجتماعی و باور کامل به اهمیت این علم، وجود ندارد!!

حفظ هر جامعه ای در گرو آگاهی مردم آن جامعه به تاریخ و هویت تاریخی آن است. لذا با توجه به این همه اهمیت بازسازی راههای کاربردی کردن این علم در جامعه ضرورت دارد و این امر علاوه بر پشتیبانی مراکز مدیریتی در اجتماع، جز با تلاش خود محققین تاریخ ممکن نمیشود. محقق تاریخ باید بتواند با **موضوع سازی های** به موقع و **پاسخگویی** عمیق و اقناع کننده برای کار آفرینی، ظرفیت سازی کند و بسترهای اجتماعی این شغلها را فراهم سازد.

همانطور که در فصلهای گذشته گفته شد، به کشف و بررسی پدیده هایی که در برچه های زمانی خاص برای جامعه مهم میشوند و پاسخگویی به آنها، **موضوع سازی** میگویند.

با فرض این دو امر حوزه های شغلی این ساحت را به نحو زیر فهرست میکنیم:

- ۱- تدریس و تعلیم و تربیت انسان ها برای افزایش بصیرت افراد در اجتماع
- ۲- صدا و سیما
- ۳- نشریات و روزنامه نگاری
- ۴- نشر کتاب
- ۵- وزارت خانه ها از جمله وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۶- مشاور در تمام دستگاههای مدیریتی کشور مخصوصا ریاست جمهوری
- ۷- موسسات پژوهشی و قطبهای نظریه پردازی
- ۸- سازمان موزه ها
- ۹- مرکز اسناد و مکاتبات اداری
- ۱۰- وکالت در تاریخ که عبارت است از: حفظ و سیانت از تاریخ کشور و آثار تاریخی در عرصه ی بین المللی.

۶- معرفی کتب و منابع موجود پیرامون ساحت تاریخ:

در ذیل عنوان هر کدام از حوزه های اصلی، فهرست مهمترین منابع معرفی شده است. اما به طور کلی در خصوص منابع این ساحت، نکاتی وجود دارد که لازم است محقق به این نکات توجه کند.

- تاریخ ساحتی است که ارتباط زیادی با اندیشه و تمایلات درونی مورخین و نویسندگان داشته است. ضمن اینکه تاریخ، به دلیل داشتن نقش هویتی برای هر موضوع بشری گاهی مورد تحریف قرار میگیرد تا گذشته های بد را نمایش ندهد. به همین دلیل به سختی میتوان در تاریخ منبعی یافت که در نقل و یا تحلیل تاریخ مورد خطاها و نواقص اندیشه و یا حب و بغضهای بشری قرار نگرفته باشد. این عوامل باعث میشود اولاً برای هر موضوع لازم باشد منابع متفاوت بررسی شود و توانایی پیدا کردن منابع دست اول وجود داشته باشد و ثانیاً در این ساحت، داشتن تفکر نقادانه ضروری باشد. نباید با ساده اندیشی به هر منبعی در این ساحت اعتماد صد درصد داشت.

- منابع این ساحت بر ساس نکات مطرح شده به چند دسته تقسیم میشوند:

۱- منابع دست اول: منابعی هستند که نزدیکترین فاصله ی زمانی و مستقیم ترین رابطه را به آن موضوع دارند.

۲- منابع دست دوم: منابعی که مدتها بعد از روی منابع دست اول و با اهدافی خاص تألیف میشوند.

۳- منابع تحلیلی: منابعی هستند که با مقایسه ی منابع دست اول و دوم و اسناد دیگر و نتیجه ای که از مقایسه ی آنها به دست می آید و برداشت نویسنده از این داده ها تألیف میشوند.

- یکی از مهمترین منابع برای این ساحت، فیلم ها و مستندات تاریخی (رابطه ی واقعی تری با حوادث) هستند. این منابع به دلیل نمایش تصویری افراد و وقایع، هم جذابیت بالایی دارند و هم اطلاعات بیشتری را منتقل میکنند. ضمن اینکه امکان ارتباط روحی بیشتری را با تاریخ برقرار میکنند. البته این منابع نیز مانند منابع مکتوب باید با تفکر نقادانه پیگیری شوند.

پس از کسب مهمترین و کلی ترین اطلاعات در هر حوزه، یکی از بهترین منابع برای ادامه دادن به مطالعه ی آن حوزه، بررسی مقالات نوشته شده در آن موضوع و یا سمینارها و همایشهای علمی در آن موضوع است. این منابع غالباً حاصل تلاشهای فکری و مطالعاتی گسترده ی افراد هستند به همین دلیل حاوی نکات مهم و جدیدی میباشند.

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف / مترجم	سطح
۱	سفرنامه شاردن		حکمت جو
۲	سفرنامه کمپفر		حکمت جو
۳	سفرنامه تاورنیه		حکمت جو
۴	تاریخ ایران عصر صفوی	راجرز سیوری	
۵	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران دوران صفوی	دکتر عبدالحسین نوایی، دکتر عباسقلی غفاری فرد	
۶	ایران در دوره سلطنت قاجار	علی اصغر شمیم	حکمت جو و مدیر ساحت
۷	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره افشاریان و زندیان	دکتر مهری ادیسی آریمی	حکمت جو
۸	تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند	دکتر غلامرضا ورهرام	حکمت جو
۹	تاریخ تحولات ایران در دوره افشاریه و زندیه	دکتر شعبانی	حکمت جو
۱۰	مغولان و حکومت ایلخانی در ایران	دکتر شیرین بیانی	حکمت جو
۱۱	غزنویان از پیدایش تا فروپاشی	دکتر سید ابوالقاسم فروزانی	حکمت جو
۱۲	تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان	دکتر حسین میر جعفری	
۱۳	گاهشماری در تاریخ	دکتر ابوالفضل نبئی	
۱۴	دیلمیان در گستره تاریخ ایران	دکتر پروین ترکمنی آذر	حکمت جو و مدیر ساحت
۱۵	تاریخ غوریان	دکتر اصغر فروغی ابری	حکمت جو و مدیر ساحت
۱۶	ایران از آغاز تا اسلام	گیرشمن	حکمت جو و مدیر ساحت
۱۷	ایران در زمان هخامنشیان	مرتضی احتشام	
۱۸	پارتیان	مالکوم کالج	حکمت جو
۱۹	اشکانیان	دیاکونوف	
۲۰	ایران در زمان ساسانیان	کریستن سن	

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف / مترجم	سطح
۲۱	امپراطوری ساسانیان	دکتر سید اصغر محمودآبادی	
۲۲	تاریخ ایران از ورود اسلام تا پایان طاهریان	حسین مفتخری و حسین زمانی	حکمت جو
۲۳	تاریخ صدر اسلام	دکتر سید اصغر منتظر القائم	
۲۴	تاریخ اسلام	دکتر علی اکبر فیاض	
۲۵	نهضت امام حسین و قیام کربلا	دکتر زرگری نژاد	
۲۶	دولت امویان	محمد سهیل طقوش	
۲۷	تاریخ تحولات ایران در دوره سامانیان	ابوالقاسم فروزانی	حکمت جو
۲۸	دولت عباسیان	محمد سهیل طقوش	
۲۹	تاریخ خوارزمشاهیان	دکتر خلعتبری	حکمت جو
۳۰	تحولات سیاسی و اجتماعی ایران دوره پهلوی	دکتر علیرضا امینی	حکمت جو
۳۱	تاریخ یونان و روم	علی بیگلری	
۳۲	تاریخ اروپا در قرون وسطی	علی بیگلری	
۳۳	تاریخ بیزانس	محمد امیر شیخ نوری	
۳۴	تاریخ در قرون جدید	نقی لطفی، محمد علی علیزاده	
۳۵	تاریخ نگاری در ایران	یعقوب اژند	
۳۶	تاریخ در ترازو	عبدالحسین زرین کوب	
۳۷	تاریخ جامع ادیان	جان بویر ناس	
۳۸	تاریخ و شناخت ادیان	علی شریعتی	
۳۹	ادیان بزرگ جهان	هاشم رضی	
۴۰	چشم انداز اسطوره	میرچالیاده	حکمت جو
۴۱	اساطیر یونان و روم	سعید فاطمی	حکمت جو
۴۲	قومیت و قوم گرایی در ایران	حمیداحمدی	حکمت جو
۴۳	اساطیر و آیین های باستانی جهان	غلامرضا معصومی	حکمت جو
۴۴	اساطیر ایران باستان	عصمت عرب گلپایگانی	حکمت جو
۴۵	تاریخ مردم شناسی	پرویز امینی	حکمت جو

www.parsbook.com

www.takbook.com

www.irebooks.com

موسسه تاریخ معاصر www.iichs.org	کتابخانه ملی ایران www.nlai.ir
مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی www.cgio.org.ir	سایت کتابخانه مجلس www.majlislib.com
پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران www.irandoc.ac.ir	سایت کتابخانه دانشگاه تهران www.ut.ac.ir
دانشنامه جهان اسلام encyclopediainlamica.com	مجموعه سعدآباد www.sadmu.com
انجمن ایرانی تاریخ www.ishistory.ir	دانشگاه شهید بهشتی www.sbu.ac.ir
پژوهشکده تاریخ اسلام www.pte.ac.ir	مرکز اسناد ملی ایران www.nlair.ir
انجمن ایرانی تاریخ اسلام sih.ir	مرکز اسناد انقلاب اسلامی www.irdc.ir
انجمن بهره گیری از تکنولوژی در زمینه یادگیری www.ace.org	کتابخانه اسناد ملی آستان قدس رضوی www.aglibrary.com

و برای اطلاع از آثار باستانی هر شهر به سایت مراجعه کنید:

www.makanbin.com

۷- معرفی متفکران و راه های ارتباطی با ایشان:

۹- تعیین حداقل‌های ساحت تاریخ:

شناخت فلسفی:

شناخت انسان و طبیعت به عنوان موجوداتی با هویت و نقش تاریخی.

این عنوان به این معناست که حکمتجو پیش از هر چیز باید به این درک برسد که انسان عمدتاً هویتی تاریخی دارد. هر فردی در مکان و زمانی عمر میگذراند که گذشتگان آن راساخته اند. به عبارت دیگر میتوان گفت ما، در تاریخ است که (ما) میشویم.

شناخت این اصل اساسی موجب درک و باور نسبت به چند موضوع دیگر میشود که عبارتند از:

(الف) درک اهمیت داشتن یک رویکرد تاریخی، در ابتدای هر نوع تلاش برای شناخت. حال این تلاش معرفتی، خودشناسی باشد یا تحقیق در هر موضوع علمی باید توجه داشت که هر موضوعی تاریخچه و مراحل تکوینی دارد که هنگام تحقیق پیرامون آن موضوع نباید از آن تاریخچه غافل بود.

به عبارت دیگر شناخت هویت انسان و غالب موضوعات پیرامون ما، در مراحل اولیه، مستلزم بررسی تاریخ تکوین آنهاست.

(البته باید توجه داشت که این رویکرد تاریخی در تحقیقات ما را از داشتن رویکردی غایت مدار غافل نکند. یکی از مهمترین آسیبهای موجود در علم جدید حذف غایت نگری از ساحت علوم بود.)

(ب) درک اصل پیوستگی حوادث تاریخ به همدیگر. این درک پس از مطالعه ی تاریخ باید به دست آید که هر حادثه ی کوچک و بزرگی در امروز یا دیروز و در مکانی مهم یا غیر مهم، به کل بر شکل گیری تاریخ اثر گذار است.

(ج) تعریف یک نقش تاریخی موثر برای خود. هر فردی باید از گرفتاری زمان حال نجات یابد و بفهمد که در جهان منشا اثر است. پس لازم است برای خود یک نقش تاریخی قائل شده و خود را بیش از یک فرد بدانند.

شناخت تاریخی:

در شناخت تاریخی معرفی حداقلها امری نسبی و وابسته به هویت خود افراد است. اما اگر بخواهیم یک بحث کلی را مطرح کنیم به نظر میرسد بتوان مجموعه ی موضوعات تاریخی را زیر سایه ی تاریخ سیاسی قرار داد. به عبارت دیگر اصلی ترین معرفت تاریخی، شناخت تاریخ سیاسی جوامع است. چراکه "الناس علی دین ملوکهم..."

سیاست را اگر تلاش بشر برای مدیریت امور خود تعریف کنیم، باید معترف باشیم که سیاست بستر تمام حوزه های حیات بشری است. از دل سیاستهاست که تمدنها و علوم و صنایع و فرهنگ ملل ظهور و بروز یافته است. حتی ادیان نیز برای رسیدن به اهداف خود، در پی تشکیل حکومت بوده اند.

براین اساس، از نظر نگارنده (و البته با راهنمایی استاد راهنما) مهمترین و حداقلهای شناخت تاریخی، باید شناخت مراحل تکوین تجربه های مدیریتی بشر مد نظر قرار داده شود.

اما اینکه کدام دوره ی تاریخی یا کدام مکان جغرافیایی از اهمیت و اولویت بیشتری در این حوزه برخوردار است، نسبی و وابسته به هویت خود فرد می باشد. هر فرد در هر موقعیتی لازم است حداقل تاریخهای سیاسی وابسته به هویت خود را به خوبی بشناسد. (چراکه شناخت این امور به او در شناخت حقیقی نسبت به هویت خودش کمک میکند) البته این به معنای حفظ کردن اسامی پادشاهان یا سالهای دقیق حکومت آنها نیست (در خصوص روشهای تدریس این دانش در ادامه سخن خواهیم گفت). بلکه به معنی شناخت عمیق و تحلیلی از کم و کیف آن است به نحوی که حکمتجو بتواند مهمترین علل شرایط فعلی جهان را به درستی تحلیل کند.

در هر حال به نظر نگارنده هر فرد لازم است حداقل نسبت به موضوعات زیر که وابستگی حیاتی به هم دارند، مخصوصا از جهت حوزه ی سیاسی، به شناختی لازم و وافی برسد.

۱- تاریخ دینی، ملی و محلی خود

۲- تاریخ مهمترین همسایگان و دوستان

۳- تاریخ مهمترین دشمنان

شناخت لازم و وافی به این معناست که :

اولا بتواند زمینه ها و علل شرایط فعلی را به درستی تحلیل کند.

ثانیا توانایی تشخیص **توالی حوادث** یعنی قبل و بعدهای تاریخی را داشته باشد.

ثالثا باید بتواند مهمترین جریانهای فکری و مهمترین حوادث، را از هم تفکیک کند.

مهارت تاریخی :

مهارت تاریخی با شناخت تاریخی تفاوت دارد. مهارت دانایی نیست بلکه قدرت و توانایی ای است برای کسب دانش یا برای استفاده از یک دانش خاص. صرف دانستن، مهارت و توانایی نمی آورد بلکه مهارت با تمرین زیاد به دست می آید.

در حوزه ی علم تاریخ حداقل مهارت‌های لازم برای استفاده از این دانش عبارتند از:

۱- مهارت استنباط تاریخی و تفکر نقادانه

استنباط تاریخی یعنی دریافت این نکته که هر موضوع تاریخی می تواند از زاویه های مختلف بررسی و تفسیر شود که این امر باعث تنوع در استنباط‌های تاریخی میشود.

تنوع استنباط های تاریخی در متون مختلف نیز باعث میشود محقق، نیاز به تفکری نقادانه داشته باشد تا بتواند به درک درستی از مباحث تاریخی برسد.

ضمن اینکه خود محقق باید بتواند بر اساس شرایط و موضوع مورد نظر خود به یک استنباط تاریخی صحیح برسد.

این امور نیاز به تمرین بالایی در نظم فکری، منطق صحیح و کلی نگری و همه جانبه نگری دارد.

۲- شناخت و توانایی استفاده از تقویم ها و نقشه های تاریخی

یکی از مهمترین ابزار محققین در حوزه ی تاریخ نقشه ها و تقویم ها هستند. شیوه ی استفاده از این ابزار به تمرین نیاز دارد.

چون این ابزار در زندگی روزانه نیز کاربرد بالایی دارند از نظر نگارنده، جزء حداقل مهارتهایی هستند که هر فرد باید توانایی بهره برداری از آنها را داشته باشد.

مهارت عاطفی:

همانطور که در بحث فواید مطالعه تاریخ مطرح شد، تاریخ می تواند عواطف خاصی در فرد ایجاد کند. همین امر باعث شده است جوامع مختلف برای مدیریت نیروی انسانی خود، از آموزش تاریخ برای رسیدن به اهدافی خاص استفاده کنند.

از جمله حداقل‌هایی که میتوان از حکمتجو در حوزه ی عواطف از او انتظار داشت میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- داشتن عرق ملی و حس وطن دوستی و افتخار به هویت ملی

۲- خودباوری ملی

۳- هم دردی و درک متقابل با ملل دیگر

۱۰- تعیین حداقل پیشنهادها برای ساحت تاریخ:

علم تاریخ از لحاظ داشتن واژگان، اصطلاحات و یا مفاهیم تخصصی آنگونه نیست که بدون دانایی نسبت به پیش نیازهای پیچیده ای نتوان تاریخ را آغاز کرد. اما وابستگی شدیدی به موضوع زمان و مکان دارد. به این صورت که بدون شناخت نسبت به آنها مخصوصا موضوع مکان نمی توان به شناخت درستی از تاریخ رسید.

به همین دلیل مهمترین پیش نیاز یا به عبارت دیگر خواهر دوقلوی تاریخ را میتوان دانش جغرافیا معرفی کرد، البته تنها یک جغرافیای عمومی کافی به نظر میرسد.

بر اساس آنچه گفته شد، دو پیش نیاز اصلی این دانش، که به نوعی خارج از حوزه های کلی علم تاریخ بوده و دو علم مستقل هستند عبارتند از:

۱- آشنایی با جغرافیای تاریخی و مهارت استفاده از نقشه (ساحت جغرافیا)

جغرافیا در واقع ظرف و بستر تاریخ است.

۲- توانایی درک متون تاریخی (ساحت دانش های ادبی)

البته لازم به ذکر است که در مطالعه ی خود تاریخ نیز به نظر می رسد می توان مباحث را بر اساس اولویت دسته بندی و برخی از مباحث آن را به عنوان پیش نیاز باقی مباحث دیگر تاریخی معرفی کرد.

۱۱- انطباق محتوای ساحت تاریخ با کتب نظام فعلی:

سال چهارم	سال سوم	سال دوم	حوزه ی کلی
درس ۲	دروس ۱ و ۲		تاریخ نظری
	دروس ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶	دروس ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۲۴	کلیات تاریخ

۱۲- آسیب‌شناسی ساحت تاریخ:

- ۱- گستردگی تاریخ خطرات بسیاری دارد که گاه موجب سرگشگی مخاطب است. بنابراین باید همواره بدانیم در تاریخ به دنبال چه میگردیم؟
- ۲- گاهی تاریخ با قصه و سرگرمی اشتباه گرفته میشود و موجب سرگرم شدن با آن، بدون رسیدن به هدف یا فایده‌ای خاص میشود.
- ۳- نداشتن تفکر نقادانه و قدرت استنباط تاریخی گاهی منجر به پذیرفتن مباحثی در تاریخ‌های نوشته شده میشود که حقیقت ندارند و این از بزرگترین آسیب‌های تاریخ‌خوانی است.
- ۴- پرداختن به جزئیات بیش از اندازه در تاریخ گاهی ما را از داشتن نگاهی کلی که منجر به کشف سنن حاکم بر تاریخ است محروم میکند. البته گاهی نیز پرداختن زیاد به کلیات ما را از توجه به جزئیات اثر گذار بر حوادث باز میدارد و در این شرایط درست نمی‌توانیم علل حوادث را تعیین کنیم.
بنابر این، یک رفت و برگشت مداوم بین توجه به کلیات و توجه به جزئیات لازم است.
- ۵- تعریف تاریخ فقط به عنوان علم گذشتگان، بی آنکه از آن برای شناخت شرایط حال و مدیریت آینده استفاده شود، قابلیت کاربردی این دانش را از بین برده و آن را به علمی لاینفع تبدیل میکند.
- ۶- نسبی‌گرایی اخلاقی و معرفتی. یکی از مهمترین اصول مستخرج از تاریخ اصل تغییر و ثابت نبودن‌ها است. این امر برای مخاطب ممکن است اصل نسبیت‌گرایی اخلاقی و معرفتی را به اثبات برساند. همانطور که اندیشه‌ی تاریخی‌گری در غرب را موجب شد. اما برای پیشگیری از رسیدن به این آسیب باید بتوانیم ثوابت حاکم بر تاریخ که به عبارتی می‌توان آنها را سنن الهی نیز نامگذاری کرد را به خوبی در مقابل چشمان مخاطب تاریخ قرار بدهیم.
- ۷- تعصب و پافشاری بر ذهنیات شخصی
- ۸- یکسونگری و نداشتن انصاف و واقع‌بینی

۱۳- شیوه های اختصاصی ارائه ی محتوای ساحت تاریخ:

تعیین شیوه ارائه ی محتوا بستگی زیادی به فلسفه ، هدف و سطح مخاطبی دارد که برای آن تاریخ ارائه میشود.

در این مجال با توجه به مبانی فکری حکمتسرا حداقل دو رویکرد اصلی در ارائه ی محتوا پیشنهاد میشود که لازم است پیش از ارائه ی محتوا توجه ویژه ای به این اهداف آموزشی نمود.

۱- آموزش تاریخ در سطح عمومی جامعه برای اهداف عمومی

برای نیل به فواید عمومی مطالعه ی تاریخ در فرد و جامعه که میتوان آنها را در ۵ حوزه ی کلی دسته بندی کرد:

شناختی و معرفتی: شناخت زمینه و علل شرایط کنونی و قوانین و سنن حاکم بر حیات بشر و استفاده از آنها در مدیریت نقش تاریخی خود- شناخت انسانهای بزرگ و نحوه ی تفکر و عمل آنها در شرایط مختلف تاریخی و الگوگیری از آنها

عاطفی: تقویت روح وطن دوستی و عرق ملی و مذهبی فرد و ایجاد حس غرور و افتخار- تقویت حس بشر دوستانه و همدردی با ملل دیگر با نزدیک کردن فهم تاریخی کشورهای مختلف به همدیگر- کاهش خودبزرگ بینی قومی و جلب احترام به سایر ملل

مهارتی: یکی از راههای افزایش مهارتهای نقد، تحلیل و بررسی، و تفکر انتقادی در فرد، مطالعه ی تاریخ است.

سیاسی: رشد درک پیوستگی مسائل بین المللی- احترام افراد جامعه به قوانین ملی و ایجاد عادت مطلوب برای رعایت آنها با شناخت روند تکوین آنها- مصونیت ملت در برابر جریانهای متهاجم و حفظ پاسداری از میهن با شناخت هویت ملی

اجتماعی: شکل گیری هویت جمعی در افراد جامعه و ایجاد وحدت ملی بین آنها با شناخت آرمانهای ملی و مذهبی - پیشگیری از بحران هویت اجتماع و گرایش افراد جامعه به فرهنگهای بیگانه

۲- آموزش تاریخ در سطحی تخصصی برای اهداف خاص علمی

برای تربیت مورخ و محقق متخصص به سوی تولید و پیشرفت علم تاریخ - ملکه ساختن قواعد و ضوابط تاریخ نگاری - تقویت قوه ی استنباط تاریخی - آموزش روشهای تحقیق در تاریخ

برای رسیدن به اهداف بالا در شیوه تدریس تاریخ توجه به چند مطلب اهمیت دارد. که در زیر به آنها اشاره و پس از آن چند روش موثر در تدریس تاریخ مطرح میشود.

۱- باید توجه داشت که تاریخ را یک کل و اجزای آن را پیوسته و موثر بر هم تعریف کنیم.

بهترین راه درک و فهم تاریخ و سنن و قوانین حاکم بر آن و تشخیص روابط علت و معلولی بین حوادث و رسیدن به برخی از اهداف بالا، نگاه کلی داشتن به تاریخ است. باید پیوستگی حوادث به همدیگر را به مخاطب نشان داد.

برای مثال نمی توان تاریخ جهان اسلام را منهای بحث پیرامون تاریخ غرب ارائه داد. بلکه لازم است در خلال بحثهای پیرامون تاریخ اسلام، اشاراتی نیز به مهمترین پیوستگی های تاریخی بین غرب و شرق بکنیم.

۲- در عرضه ی تاریخ برای دوره های مقدماتی برجسته سازی حوادث مهم و فراز و فرودهای مهم تاریخ اهمیت بالاتری دارد. باید به جای پرداختن به جزئیات، به عرضه ی کلیات تاریخ پرداخت.

اگرچه لازم به ذکر است نباید تصور کنیم پرداختن به جزئیات تاریخ، کلا عملی بیهوده است بلکه جایگاه توجه به این جزئیات را هدف فرد در مطالعه ی تاریخ روشن می کند. در قرآن نیز گاه در شرح حوادث تاریخ بنابر ضرورت و پیگیری هدفی خاص، به جزئیات اشاره میشود. همانطور اگر فردی رویکرد علمی - تحقیقی در تاریخ داشته باشد این جزئیات تاریخ است که به او در حل ابهامات کمک بسیاری میکند.

سخن ما این است که در ارائه ی محتوا از حوادث مهم تاریخ شروع کنیم که بحث برای همه جذابیت داشته باشد. پس از آن توجه به جزئیات را برعهده ی تحقیقات شخصی هر فرد متناسب با حوصله و سوالات شخصی او بگذاریم.

۳- بهترین روش ارائه ی تاریخ، ارائه ی آن به صورت تحلیلی است نه توصیفی.

این تاریخ تحلیل شده است که تاثیر فوق العاده ای بر روح مخاطب میگذارد و به او بصیرت میدهد. کلاس و درس تاریخ همواره باید پر از بحثهای اقناعی و تفسیر و تحلیلهای جدید و مناسب با شرایط باشد.

۴- محور آموزش درس تاریخ نیز نباید توصیفات تاریخی باشد بلکه باید به جای عرضه ی مستقیم اطلاعات تاریخی بیشتر روش پژوهش و تحقیق و تحلیل تاریخی را به مخاطب آموخت.

این عنوان به این معناست که در کل بجای ارائه ی مستقیم اطلاعات، روشهای کسب اطلاعات را به مخاطب بیاموزیم. یابه عبارتی مهارتهای او را در کسب این دانش و نقد و تحلیل داده ها افزایش بدهیم. فقط در این شرایط است که مخاطب به اهداف آموزشی ای که در ابتدا مطرح شد خواهد رسید.

۵- یکی از مهمترین مسائل در ارائه ی محتوای تاریخی فضاسازی درست برای هر موضوع است.

فضاسازی یعنی احیای شرایط لازم زمانی و مکانی هر واقعه ی تاریخی برای مخاطب که این امر باعث احساس حضور مخاطب در آن شرایط شده و به درک درست او از حقیقت آن واقعه می انجامد.

موضوعات مهم در فضاسازی عبارتند از:

مفهوم تغییر تاریخی: در ارائه ی تاریخ باید بتوان اصل (تغییر تاریخ) را در مخاطب نهادینه کرد. باید بیاموزیم و بیاموزانیم که نمیتوان با دید امروز به گذشته نگاه کرد.

مفهوم توالی: به معنای پی در پی آمدن نیز در فهم تاریخی اهمیت بسیار بالایی دارد. برای مخاطبین درس پایین ممکن است درک زمانهای طولانی دشوار باشد اما درک مفهوم توالی برای آنها ساده است. در شناخت تاریخی بیش از هر چیز قبل و بعدها اهمیت دارد که باید در ارائه ی محتوای تاریخی و همچنین در ارزیابی مخاطب در این دانش به آنها توجه ویژه داشت.

فضاسازی زمانی: باید مفهوم گذشته ی زمانی و مفهوم مبدأ تاریخی را به مخاطب نشان داد. اگر مخاطب سن کمی داشته باشد به سختی میتواند گذشته ی دور را درک کند. میتوان در این شرایط از **خط زمان** استفاده کرد.



فضاسازی مکانی: این موضوع اهمیت بالایی در درک درست تاریخ در ذهن مخاطب دارد. بهترین راهکار آن نیز استفاده از **نقشه** است. درک تاریخی بدون نقشه درکی ناقص خواهد بود. کمتر درس تاریخی است که برای آن نقشه ای موجود نباشد.

فضاسازی زبانی: هر حادثه زبان خاص خود را دارد. برخی حوادث به زبان و ادبیاتی حماسی نیاز دارند و برخی به ادبیات غم انگیز، برخی شاد و برخی دقیق و علمی و مدبرانه ...

تاریخ باید زنده و با فعل حال تدریس شود تا مخاطب دقیقا آن شرایط تاریخی را حس کند و با انسانهای آن دوره به حس مشترک و همدردی برسد. در این شرایط است که روح او آماده ی عبرت گیری از تاریخ میشود.

سیاسی - اجتماعی: وقایع مشابه تاریخی گاهی در بسترهای اجتماعی - سیاسی مشابه اتفاق نیفتاده اند. برای مثال حمله ی مغول به ایران از نظر تاریخی نباید با حمله ی مسلمانان به ایران در یک بستر توصیف و تحلیل شود.

۶- یکی از مهمترین موضوعات در روش ارائه ی تاریخ پیوند برقرار کردن بین حوادث گذشته و امروز و آینده است.

آموزش تاریخ به مخاطب باید از پدیده های موجود در زمانهای نزدیکی که در خاطره ی مخاطب است، آغاز شود.

این امر باعث شکل گیری سوال در ذهن مخاطب و تقویت انگیزه ی او برای مطالعه و تحقیق تاریخی میشود. بعلاوه جایگاه کاربردی این دانش نیز برای او روشن شده و مطالعه ی آن را بی ربط با زندگی امروزش نمی داند.

اگر تاریخ را دانش گذشته معرفی کنیم و از موضوعاتی سخن بگوییم که در زندگی امروز وجود ندارند عملا خاصیت کاربردی تاریخ را از بین برده ایم. به همین دلیل لازم است ارائه ی تاریخ را از حوادث معاصر و در دسترس شروع کنیم. آنچه این میان ما را به گذشته وصل میکند علل و زمینه هایی است که موجب شده اند شرایط کنونی جهان به این وضعیت برسد و علم تاریخ جز این نیست.

امیل دورکیم جامعه شناس معروف میگوید: درحقیقت تاریخ چیزی جز تجزیه و تحلیل حال نیست چراکه ما در گذشته است که میتوانیم عوامل تشکیل دهنده ی حال را بیابیم.

همانطور که گفته شده در این شرایط است که در ذهن مخاطب سوالات مهم و کاربردی شکل میگیرد و او راملزم به مطالعه ی تاریخ میکند.

ما باید بتوانیم روح کنجکاوی و جستجوگری و دنبال کردن دلایل و علتها و نتایج حوادث تاریخی و نقش آنها را در زندگی حال و آینده، در مخاطب ایجاد کنیم.

۷- ایجاد قوه ی درک و استنباط تاریخی یکی از اهداف آموزش تاریخ است.

استنباط تاریخی یعنی دریافت این نکته که هر موضوع تاریخی می تواند از زاویه های مختلف بررسی و تفسیر شود که این امر باعث تنوع در استنباطهای تاریخی میشود. بنابراین هر فرد میتواند به یک استنباط خاص خود برسد.

برای این منظور یعنی برای تقویت این قوه در مخاطب به هیچ عنوان نباید یک کتاب خاص برای یک موضوع معرفی و به آن اکتفا کرد. چراکه این امر باعث انحصار استنباط تاریخی مخاطب شده و مانع از شکل گیری تفکر نقادانه که لازمه ی تحقیق تاریخی و از اهداف آموزش تاریخ است، میشود.

برای این منظور نه تنها مخاطب باید برای شناخت هر موضوعی به کتابهای متعددی که با نگاههای متفاوت تألیف شده اند ارجاع داده شود، بلکه باید از خود او هم بخواهیم که با تفکر فردی در آن موضوع به استنباط فردی و قدرت تحلیل و تفکر نقادانه برسد.

اما روشهای تدریس تاریخ :

برای رساندن مخاطب به درک تاریخی عمیق، روشهای -تدریس مشارکتی و فرایند محور- توصیه می شود که در ذیل به نمونه هایی از این روشها اشاره میشود.

روشهای مشارکتی و فرآیند محور بر فعال شدن مخاطب در فرآیند یادگیری تاکید دارند. این روشها بیش از آنکه به دادن محتوا و اطلاعات تاکید کنند به آموزش و تقویت مهارتهای فرد اهمیت می دهند.

عصر ما عصر انفجار اطلاعات است. امروزه تنها با فشار دادن چند دکمه میتوان به گستره ی وسیعی از اطلاعات دست یافت. اما آنچه امروز اهمیت دارد توانایی نقد و تحلیل این اطلاعات و همچنین توانایی استفاده از این اطلاعات در زندگی است.

روشهای فرآیند محور بر آنند تا دانش را به نگرش، انگیزش و عمل مخاطب نفوذ دهند.

در مورد علم تاریخ مهمترین این روشها عبارتند از :

۱- روش نمایشی و ایفای نقش:

این روش به معنای پذیرش یک نقش واقعی تاریخی توسط حکمتجو است که باعث میشود او در مورد نقشها و انگیزه های این شخصیتها بیندیشد. در این روش حکمتجو با بازسازی رویدادهای تاریخی، علل و پیامدهای آنها را بدون کتاب می آموزد.

به عبارت دیگر این روش تمرین طرز تفکر و طریقه ی عمل انسانهای بزرگ تاریخی است.

بعلاوه میتوان گفت این روش خلأ کلی گرای تاریخی را نیز برطرف میکند و حکمتجو را در فهم کامل از نقش یک فرد در تاریخ، همچنین در ترسیم تصویر کاملتری از کیفیت زندگی در زمان و مکانی خاص، کمک میکند.

۲- تابلو کردن تصاویر و نمایش فیلم و صداها ضبط شده

از برخی برهه ها و موضوعات تاریخی تصاویر متنوعی وجود دارد. استفاده از این عکسها به تخیل و درک تاریخی حکمتجویان کمک بسیار مهمی خواهد کرد. همه میدانیم که اگر در یادگیری قوای سمعی بصری نیز فعال شوند یادگیری را چند برابر خواهند کرد.

۳- موقعیت صندلی داغ

اینکه فردی در جمع کلاس به عنوان یکی از شخصیتهای تاریخی مسئولیت پاسخ به سوالات همکلاسی های خود را برعهده بگیرد

۴- روش کاوشگری

مخاطب را در ابتدا با یک واقعه ی جذاب روبه رو کنیم و از او بخواهیم در مورد آن به کاوش پردازد تا زوایای مختلف آن را کشف کند. این روش ضمن جذابیت بالایی که دارد مهارتهای جستجوگری او را تقویت میکند.

۵- روش حل مسئله

یا به عبارت دیگر روش بارش مغزی که در این روش موضوعی طرح شده و از مخاطبین موجود در جلسه میخواهیم که هر کدام نظراتشان را در مورد آن مطرح کنند.

۶- روش پروژه ای

اگر بتوانیم موضوعمان را به صورت یک پروژه ی چند مرحله ای آماده کنیم و از مخاطبین بخواهیم طی یک برنامه ریزی پروژه ای کار را به پیش ببرند توانسته ایم چند مهارت مهم تحقیقی و علمی را در آنها تقویت کنیم. از جمله مهارت‌های برنامه ریزی، کار تیمی، قدرت تعیین مقدمه و موخره در هر کار علمی و ...

۷- روش گردشگری

تاریخ از جمله ی دانشهایی است که گردش در محیطهای مختلف لازمه ی آن است. بناهای تاریخی به جا مانده از گذشته، آثار جنگها و حوادث طبیعی بر طبیعت و همچنین موزه ها و ... این روش ضمن جذابیتی که برای مخاطب دارد باعث میشود او ارتباط نزدیکی با آن موضوع برقرار نماید.

به عبارتی می توان روش قرآن را در توجه به تاریخ، روش گردشگری معرفی کرد. در قرآن عبارت: "قل سیروا فی الارض" چندین بار به کار رفته است.

۸- شرکت در سالگرد مناسبات تاریخی

بسیاری از حوادث تاریخی منجر به شکل گیری مناسبتهای خاصی بین مردم یک یا چند ناحیه شده است. شرکت در این مناسبتها و توجه به آداب و سنتهای شکل گرفته، منابع خوبی برای شناخت فرهنگ و شناخت انسان و جامعه ی انسانی هستند.

۹- استفاده از تخیل تاریخی و هدایت آن

صاحب نظران آموزش تاریخ، به تقویت قوه ی تخیل و موثر ساختن آن در ادراک تاریخی تاکید فراوان کرده اند. یکی از عوامل ایجاد انگیزه در مطالعه ی تاریخ، هدایت تخیل تاریخی است. معمولا جلب توجه دانش آموزان به درس تاریخ تا حدی مشکل است. زیرا آنها از روی آوردن به آن، فواید آنی و نتایج ملموس و فوری ای نمی بینند، هرچند هستند کسانی که به علت کنجکاوی ذاتی توام با درونگرایی به تاریخ علاقه مند می شوند. زیبایی رویاگونه ی دنیای خیال چون با تاریخ در آمیزد انگیزه و جذابیت بسیار نیرومندی برای مطالعه ی تاریخ به وجود می آورد. تاریخ با دو مقاله ی هنر و قصه ارتباط می یابد.

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر

بوده [و] بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.»

< آیه ی ۴۲ سوره ی روم >